

زندگانی صورت مهلکی است.

(۱)



اثر: عبد الامیر فولادزاده

امید آخریں

زندگینامه حضرت مهدی (ع)



امید آخرین

نگارش:

عبد الامیر فولادزاده

ناشر

انتشارات علمی - تهران

مشخصات کتاب



نام کتاب : امید آخرین

نگارنده : عبدالامیر فولادزاده

حروفچینی: تایپ اعلمی

چاپ : چاپخانه احمدی

ناشر: مرکز انتشارات اعلمی - تهران

حق چاپ جمیع حقوق برای ناشر محفوظ

تقديم

تقديم به پيشگاه منجى بشریت،
مصلح جامعه انسانیت حجة بن
الحسن العسکرى مهدي
موعود (ع) ارواحنا لله الفداه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مؤلف

به نام نامی آنکس که دنیا را به پاساخت .
امروز دنیای متمدن ، دست به گریبان خرافات و
بدبختیهای مفسدآوری گردیده است و هرچه زمان به
جلو می رود ، دامنه این پریشانی گسترده تر و پهناتر
می شود و هیچ احدی قدرت آن را ندارد که این مشکل
بزرگ جهانی را حل کند ، زیرا قدرت فوق العاده
بشری را خواستار است و آن هم در دسترس نیست ،
بنابر این حتما این مشکل بهت آور گره اش به دست
کسی باز می شود که موهبت الهی باشد .

آیاتاکنون حدس زده اید که کیست ، چیست و از
کجای آید و چه علامات و اشارات و رموزی دارد ؟

اطمینان صد در صد را می توان به خود تزریق نمود
که همگان این قدرت مرموز و فوق بشری را دانسته و
شناخته اند که وی گوهر دوازدهم و آخرین شمع وجود

ولایت عصمت است

بدین جهت برای شناسایی هر چه بیشتر این گوهر گرانقدر، به تمام جهانیان عالم وجودی کتابی تهیه و تدوین شده است که بالغ بر ۲۰۰۰ صفحه می باشد که اگر خداوند توفیق عمل دهد به سبک امروزی و مدرن جدید هر دو بخش آن را در کتابی گنجانده و مورد مطالعه همگان مخصوصاً نوجوانان عزیز قرار گیرد.

«نویسنده این کتاب جوانی است ۱۸ ساله، که در سن چهارده سالگی کتابی به نام خورشیدی که از مکه طلوع کرد درباره احوالات رسول اکرم تدوین و تنظیم نمود و هم اکنون در دسترس همگان قرار گرفته است و بزودی چاپ دوم آن انجام خواهد گرفت.

نیز در سن ۱۶ سالگی بر آن شد تا این کتاب حاضر را گرد آورده و در جلدهای متعددی به چاپ برساند، این کتاب حاضر اولین جلد است و ۱۹ جلد دیگر بزودی مورد استفاده همگان قرار خواهد گرفت - ناشر»

این کتاب شامل دو بخش است که عبارتند از :

۱- تولد مهدی (ع) ۲۰ - بحث امام شناسی
در پایان سخن ، نویسنده مقوله ای کوچک به
نوجوانان و نوباوگان اسلام مخصوصا کسانی که در مکتب
شیعه خود را نشان داده اند توصیه می کند : که ای
نوجوانان و ای برادران دینی ما ، هرچه زودتر باید
کوله ای که مدت ها به پشت داریم به سر منزل مقصود
برسانیم و نباید هرگز در میان راه لغزش پیش آید و ما
را نابود سازد اگر چنین نشود می توانیم با تمامیت هر چه
بیشتر ، دنیای تشیع را بر تمام مکتب های ضد اسلامی
و انسانی غالب و چیره نمائیم و با قاطعیت هر چه بیشتر
ایمان و دینمان را محکم و استوارتر کنیم .

تهران : عبدالامیر فولادزاده

ق ۱۳۹۶ / ۲۵۳۵ ش



توالت

مهدی گیت (۴)

خورشید نور خود را به تمام مکان می تاباند ،
انرژی آن در تمام جهان مورد استفاده است ،
یکی از منابع و نعمت های لایزال خداوند است
که به بشر و مخلوقاتش عنایت فرموده است همگی از آن
استفاده می کنند .

اما خورشیدی که من و شما در نظر داریم ، این
خورشید نیست ،

خورشیدی که آخرین امید ، و یا امید آخرین است
به آسمان نظر افکن خورشید مورد نظر را نمی بینی؟
اما، اما، اثرات آن در سراسر آسمان آبی رنگ
موج می زند ولی بارنگ پریده و خفته خواب ،
در لابلای ابرها رنگ خورشید دیده می شود که به

صورت زرد رنگ ، کم رنگ نمایان است .
به کوهستانها ، و دره ها و صحراها و بیابانها
نظر افکن ،

نوری رامی بینی که همچون درخت پائیزی رنگش
زرد ، زرد ، کم رنگ است .

سر را از نوک آن کوهستان بیرون آورده اما ما او
رانمی بینیم ،

آری ، حال است که زمین را پراز عدل و داد می کند
چنانچه پراز ظلم شده باشد ،

خوب ، باید به فکر چاره ای باشیم ، زیرا خواهد آمد
چه کسی می آید ، آن کسی که مدتها در انتظارش
نشسته ایم .

إِنَّ الْأَرْضَ بِرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ .

﴿الانبیاء ۱۰۵﴾

همانا ، زمین خداوند را بندگان نیکوکارش به ارث میبرند
بر آن حکومت می کنند و بر سر اسرگیتی سیطره پیدا می نمایند .

اما دشمن در کمینش نشسته است ،
خروش ، و هیاهوی او بلند است ، زیرا ،
حسادت می ورزد .

می خواهد ، نور خداوند و خلیفه رسول اکرم (ص)
را نابود سازد ،

خاندان عصمت و طهارت ، که ائمه اطهار (ع) ما
می باشند از بین ببرند .

و به جای آن خلافت نامشروع خود را جای گزین
آن نمایند .

اما خداوند هرگز نور خود را که خلفای بر حق وی
می باشند نمی گذارد خاموش شود .

وَبَشِّرِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ إِذْ أُوتُوا نُورًا لَقُوا اللَّهَ لَأُبَيِّنَنَّ لَهُمْ أَسْمَاءَ الَّذِينَ كَفَرُوا
وَأُولَئِكَ هُمُ الرَّاكِبُونَ

﴿الصف ٥﴾

می خواهند باد هانشان نور خداوند را خاموش
نمایند ولی خداوند نور خود را به اهل بیت عصمت و
طهارت اتمام نموده هر چند کافران خواستار نباشند.

• اتمام کننده این نور مهدی است •

• آری این دشمن ، خلفای عباسی می باشند •

• خلفای عباسی ، دشمن دیرینه این مکتب است •

خروش این دیو بزرگ ، به اوج آسمانها و قعر

دریاها می رسد •

با صدای خشن و زبر خود می گوید : ای مکتب

اهل بیت :

« من شمارا می خواهم طعمه خود قرار دهم »

• اما خداوند هرگز نمی گذارد چنین شود •

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .

﴿التَّوْبَةِ ٣٢﴾

همانا ، که فرستاده خود را ، با هدایت روشن

و مبین واضحی فرستاده ، همان هم دین حق (یعنی
دولت جاوید مهدی (ع) را بر تمام ادیان غالب میگرداند
هر چند مشرکان نخواهند .

انتظار، انتظار، دیگر نزدیک شده ،

تولدش مبارک ، تولدش مبارک .

شهرسائراء به شور و غوغایی عجیب افتاده ،

ظلمات ، تاریکی و خواب شهر از بین رفته ،

همه در شور و هیجان هستند ،

چه خبر است ، چه شده ، چه میشود !

ای : بیا ، مهدی ما خواهد رسید ،

تولدش نزدیک شده ،

ددمه های فتوت و دلآوری مصلح جهان در حال

نزدیک شدن است ،

دنیا از خواب اسارت و بی بند و باری هم اکنون سر بلند

می کند ،

و باخروش و غوغایی عظیم در زیر لب زمزمه می کند :

هرکس با حس و حواسی به زمزمه آن گوش فرامید هد.
ندای یامهدی، یامهدی رامی شنود،
چه خبر شد، مثل اینکه شهر سامراء بانوری دیگر
روشن شده،

چرا، مگر کسی تازه به این شهر وارد شده
بله، مهدی منتظر، آن شه خوبان آمد
مهدی هم اکنون در شکم مادر، سخن می گوید
به مادر تسلی و آرام بخش دل می دهد،
وی را از هول و وحوش درد و زایمان آرام می سازد،
از طرفی دیگر آسمانها، در تلاطم است،
ستارگان به یکدیگر نزدیک می شوند،
جرقه هایی در آسمان پدیدار می گردد،
انواری اطراف آسمان را احاطه کرده،
در میان این انوار، نور سفیدی است که همان نور
مهدی است،

در وسط این نور، نوشته:

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا .



و بگو حق آمد و باطل محو شد ، زیرا ، باطل و ناحق
پایمال شدنی است .
حق ، یعنی دولت حقه مهدی آمد ، و دولت باطل
بنی العباس نابود و محو است زیرا باطل محو شدنی
است ، هرگز پایدار و استوار نخواهد ماند .

از طرفی بنی عباس ، که سرسخت ترین دشمن اهل بیت
است .

هشتمین آنان ، معتمد عباسی ، مامورانی قرار داده تا
اینکه مهدی فرزند امام حسن (ع) را پیدا کنند ،
شکم زنان را پاره می کند تا بلکه آن را پیدا نماید ،
اما هرگز نمی تواند ، زیرا ، خداوند ، یار و پشتیبان وی
خواهد بود .

وَنُورِدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمُ آيَاتٍ وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

﴿النَّصِيحَةُ﴾

میخواهم بر اهل بیت عصمت و طهارت منت گذاریم و
آنان را خلفای زمین و وارثان آن قرار دهیم .
منت برد ولت مهدی (ع) و حکومت جهانی اوست .

در همین ساعات ، وقت نزد یکترا می شود .

تك تك ، دقیقه به جلو می رود ،

ساعت ، موقع تولد را نشان می دهد ،

إِنْشَرَيْكَ الشَّاعِدُ .

﴿ الْفَسْرُ ﴾ (

ساعت نزدیک شد ،

ساعت تولد مهدی ،

اللّٰه اكبر، اللّٰه اكبر، اللّٰه اكبر،

مهدی موعود متولد شد .

مژده ایدل که مسیحانفسی میآید

که زانفاس خوشش بوی کسی میآید

از غم هجرمکن ناله و فریاد که دوش

زده ام قالی و فریاد رسی میآید

امام حسن (ع)، عمّه، مهدی موعود متولد شد .

عمه جان، در نرگس خاتون اثری از حمل نبود!!

عمه جان، زیرا دشمنان خداوند در کمین اویند

من هرگز چنین امری را باور نمیکنم،

زیرا بدون هیچگونه علامتی چگونه ظهورش نمایان شد؟!!

آخه حکیمه خانم، عمه جان، مهدی است،

بنی عباس در کمین کشتن هی و در صد نابودیش

هستند ،

و خداوند وی را همانند مادر موسی (ع) در آورد .

لِأَنَّ مَثَلَهَا مَثَلُ أُمِّ مُوسَى لَمْ يَظْهَرْ بِهَا الْحَمْلُ
وَلَمْ يَعْلَمْ بِهَا أَحَدٌ إِلَى وَقْتِ وِلَادَتِهَا .

زیرا ، نرگس خاتون ، (زایمان و فارغ شدنش) به مانند

مادر موسی است زیرا در وی از موسی هیچ اثری

نمایان و مشهود نبود مگر در ساعت تولد و هیچ احدی

از ساعت تولد و زایمان آگاه نمی شود ،

مگر اولیاء خدا و پرده پوشان رموز .

حالا دیگر مرهمی بر دردها گذاشته شده است
امید آخرین ما متولد شده ،

دیگر غصه ای نداریم ، نابسامانیها ، دردها ، رنجها ،
همه و همه از میان رخت پر بسته است ،

امانتها دردی که داریم ، اصلاح است ،
ناامیدان همگی در بر فروشکوهند ،

در ناامیدی بسی امید است — پایان شب سیه سپید است

وَأَخْرَىٰ تَحِبُّوهُنَّ نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

آن را که دوست می دارید ، نصر و پیروزی از جانب
خداوند است ،

بلی ، مهدی متولد شد و مردم بر تمام عقاید خرافی غالب
و پیروز گشتند و به مؤمنین بشارت دهید

صبح ازل سپیده زد و سراز کوه بلند کرد ،

آسمان که کشتی ارباب هنر می شکند .
با تمام جمال و دارایی خود، در پی گمشده خود پرمیزد
که چه وقت می آید ،

بیابانها و صحراها و زمینهای موات همه و همه ،
خدا را تسبیح می گفتند و از درگاه او خواستار
مصلحتی بودند که در آید و به آنان رسیدگی کند ،
زمینهای موات ، زمینهای مرده و بی کشت و کار است .
اوست که این زمینها را احیا می نماید و همگی را به فیض ،
کامل خودشان می رساند و از آنها بهره برداری میکند ،
مردم به هر کجا قدم می نهادند ، معشوقه خود را ،
پیدا نمی کردند ، تا اینکه بوسیله ، حضرت امام حسن (ع)
در شب نیمه شعبان ، سال دویست و پنجاه و پنج ظاهر
شد ، همگی در پوست خود نمی گنجیدند و از فر شادی ،
سر تا پای خود را در خوشحالی فرو برده بودند .

تاریخ سید الوری الثانی عشر القائم المهدی سید البشر
فی النصف من شعبان کان ولدا فی لیلۃ الجمعة طاب مولد ا

فی عام مأتین ثم خمس من بعد خمسين بغیر لبس

* * *

فرزند امام حسن (ع) متولد شده ، نور از تمام بدنش
نمایان است ، در نور غرق شده ، کسی وی را نمی بیند ،
ناگهان حکیمه خاتون ، فرزند کوچکی می بیند که به سجده
رفته است ، از سجده سر بلند کرد و به روی ، زانو نشست
و دستهای کوچک خود را به طرف آسمان بلند کرد .
حکیمه ، وی را شناخت ، کیست (م - ح - م - د) است
می فرمود :

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَإِنِّي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ
وَإِنِّي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ،

بسه وحدانیت ، خداوند ، و به پیامبری جدم
محمد ، و به خلافت علی (ع) پدرم شهادت می دهم .

وی نامش هم نام پیامبر است ، باید مخفی باشد ، در
نظر نیفتد ، یا رحمان ، و یا رحیم ، اوست عدل گستر
جهان .

بر اهل بیت درود می فرستد تا به خودش می رسد .

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاتِّعَمَّ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ
وَطَأْتِي وَأَمْلَأْ الْأَرْضَ بِي قِسْطًا وَعَدْلًا

خداوندا : به وعده خود عمل کن ، مقصودم را به سر -
انجام کار برسان ، قدمهایم را ثابت و استوار نگه دار ،
و سپس بوسیله من زمین را پر از عدل و داد کن ،
ای مردم ، خواهد آمد ،

هرکس باید در پی توشه ای باشد تا به هنگامی که
پیام اش رسید بی درنگ به سویش به شتابیم ،
آه ، آه ، دیگر صبرم به سرحد تهی رسیده است .

اللّٰه ، اللّٰه ، اللّٰه ، از این غوغا :

معشوقهٔ ماچه کسی است ، دارای چه اوصافی است ،
جوان ، چهارشانه ، میانه قد ، معتدل صورت ،
نور جمالش ، متمایز از موی سیاه ریش است
بر گونهٔ راست خال سیاهی است که همچون ماه
شب چهارده درخشان است ، به به ، به به ،
چشمانش درشت و سیاه ، پلک‌هایی درخشانده و نمایان
بینی کشیده و مرتفع ، دندان‌هایی گشاده ، چون ابر
است سفید است ، از سفید هم سفیدتر است ،
سینه‌ای فراخ و پهن دارد ، همچون سینهٔ شیر ،
خطی مواز گودی گلو تاناف چون خطی مستقیم کشیده
شده است ،

بر دو بازوی راستش دو علامت از آیات خداوند نوشته
شده است .

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وَ
تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ .

حق و باطل نابود شدند ، و سخن خداوند تو
اتعام گردید به وسیله مردی عدلگستر ، آری در
سخنان او هیچ تبدیل و تعبیری نیست ، او ست
شنونده و آگاه ،

اتمام کننده انوار الهی است
باید ، انتقام اهل بیت را بگیرد ،
دست یاغیان ، و زورمندان و گردنکشان
به مکتب ولایت را کوتاه کند ،
مکتب قرآن را رواج دهد ، به تمام مژده
صلح و آشتی را می دهد ، اما به شرط سرنیزه
و شمشیر ، اختلافات رفع می شود ،
و دیگر کسی نمی تواند به کسی زور گوید ،
آنگاه زندگی شیرین است ، شیرین از عسل
شیرین تر است ،
حال هم شیرین است اما نه به شیرینی عسل ،

جعفر کذاب

در این میان عموی مهدی (ع) جعفر کذاب است .
جعفر پسر امام علی النقی است
جعفر پسر امام ، برادر امام و عموی امام است
مردی نادرست و دروغگو بود ،
شراب می خورد ، قمار می زد ، موسیقی نیز می نواخت .
و همواره با برادرش حضرت امام حسن عسکری (ع)
دشمنی می کرد و در صد دنا بود ساختن برادر و
پسر برادر حضرت مهدی (ع) است
اما از طرفی چون دستگاه خلافت بنی عباس
دستگاه بیعدالتی و نادرستی است با جعفر رفیق
بود ، چون می توانست از وی بسیار کار و بهره برد .

إِنَّهُ لَبِئْسَ مِنَ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ

دستگاه خلافت در این فکر رفته بود
که حضرت امام حسن عسکری (ع) را در اولین
فرصت مسموم کند تا اینکه پسر همچون
مهدی از او متولد و نمایان نشود
اما نمی دانست که امر الهی است .
و کسی نمی تواند کاری کند
مصلحت خداوند در این است که
قبل از اینکه آزاده کنند ، مهدی بیاید ،
إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ .
خداوند بر هر چه که خواستار باشد ،
قدرتمند است ، می تواند انجام دهد .

اما خوشبختانه در آن وقع حساس دستگاه
خلافت دستخوش انقلاب ، و انقلابیون
بود ، شورش ، دستگاه را تقریباً فلج می کرد
دیگر حسی نداشت که بتواند به دنبال کار خارج
رود ، کار زیاد ، اما فرصت کم ،
هنوز کارها به سامان نیافته ، جنگی ، و
شورش به پامی شد ، کشته می شدند ، اموال به
غارت می رفت ، خلاصه خیلی روزگار سخت
بر آنان شد ، اما خداوند به مصلحت خود عمل کرد ،

قلنا یا انا زکونی بردا و سلاما علی ابرهیم

﴿الانبیاء﴾

شهادت

امام حسن عسکری (ع)

روزی رسیده بود که تمام مردم ناراحت بودند

دیگر کسی شادی و خوشحالی نمی‌کرد ،

شهرسازان آن روز ، رنگ دیگری به خود گرفته بود ،

غوغا و هیاهوی زیادی در شهر پیچیده بود ،

دستگاه خلافت در هیجان است ،

امام را مسموم کرده اما نمی‌دانند چه کند ،

همه می‌خواستند بدانند که امام و پیشوای خود ،

پس از حضرت امام حسن (ع) کیست ؟

اکثر مردم در حیرت و تفکر فرو رفته بودند ، که

چرا حضرت حسن (ع) خلیفه و جانشین خود را به آنان

معرفی نکرده

و از آن طرف حضرت امام حسن (ع)

تولد ، فرزند سعادت‌مند خود را از مردم پوشیده کرد

چون روزگار، مساعد نبود، خلیفه عباسی، معتمد
در جستجوی دوازدهمین برج امامت، مهدی (ع)
است،

که وی را بگیرد و شهیدش کند، و بدین منوال
ریشه دین و شرافت اسلام را پایمال سازد،
از سوی دیگر خداوند یار و یاور درستکاران است.
الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ
أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا
الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ
الْأُمُورِ

(سوره حج آیه ۴۱)

به کسانی که قدرت ترویج نماز و امر به معروف و نهی از
منکر دادیم، در عوض عاقبت کار آنان بدست خداوند
است،

روز گذشت و ساعت وقت رانشان داد تا اینکه ساعت
 وقت ، غروب و زوال خورشید زمان رامبین ساخت
 در این هنگام خداوند روح مقدس و پاکش را
 به عالم قدس و بهشت عدن پرواز داد ،
 و روحش را با اجدادش محشور گردانید ،
 در این میان ، جعفر فرصت را غنیمت شمرد و
 خود را به مردم جانشین معرفی کرد ،
 در خانه حضرت امام حسن (ع) نشسته
 و هر کس می رسید از آن تشکر می کرد و مردم متقابلاً
 به وی تسلیت می گفتند .

بُرِّقَ الْجُرْمُونَ بِبَيْتِهِمْ .

﴿التَّحْمِينِ ﴿٤١﴾﴾

گناهکاران را به صورتهایشان شناخته شوند

در این میان پیکر در صحن خانه است، عده ای از شیعیان منتظرند که بروی نماز بخوانند ناگاه کسی جعفر را صدا زد، تا بر حضرت نماز بخواند، شیعیان صف بستند جعفر آمد، و جلو ایستاد ناگهان پرده اطاقی بلند شد و کودکی که آثار بزرگی و امامت از وی ساطع و نمایان بود، آمد، جعفر را بر کنار زد و خود جای وی ایستاد، حاضران، چیزی نگفته، آرام و خاموش به نماز ایستادند.

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ • ﴿٩﴾

سدی در جلو روی و سدی در عقب برای اینکه چیزی نبینند قرار دادیم.

جعفر مبهوت است، صحبتی نمی‌کند،
 نماز تمام شد و آن کودک دوباره به داخل
 اطاق رفت و ناپدید شد،
 شیعیان از جعفر پرسیدند این کودک کیست؟
 جعفر گفت به خدا سوگند من تاکنون وی
 رانده ام و نمی‌دانم کیست؟
 عده ای از شیعیان با ایمان، درك کردند
 که وی پسر امام حسن (ع) است، و سرور
 آنان مهدی (ع) می‌باشد، و آن وقت
 متوجه شدند که جعفر دروغ گفته و
 جانشین حضرت امام حسن همین کودک است.

قَالَ هَذَا رَجُلٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ رَبِّي جَمَلَةً دَكَّاءٌ وَكَانَ
 وَعَدُّ رَبِّي حَقًّا.

﴿الْكَافِرُونَ﴾

این رحمتی است از جانب خداوند ، هنگامی که
وعدۀ خداوند می رسد ، آن را می گویند و در صدد
پایمال ساختن آنانند اما وعدۀ خداوند م حقا است .
جعفر چنین کرد : دستگاہ خلافت را ،
از این ماجرا ، آگاہ ساخت ، مأموران
به منزل ریختند ، اما کسی رانیافتند .
نقش جعفر نقش بر آب شد ،

روزی جمعی از اهل قم به سامراء آمدند
در باره پیشوای خود امام حسن (ع) مسئلت نمودند
مردم گفتند حضرت وفات نمودند و جانشین آن
جعفر است، آنها با خیال خام خود، به جعفر،
بیعت کردند، اما سپس به هوش آمدند و
در پیش خود گفتند مبادا این شخص دروغگو
باشد، لذا، به وی رو کردند و گفتند:
با ما مقداری پول و نامه است، اگر
مقدار آن رامعین نمودی، ما آنها را در اختیار
تو قرار می دهیم،
جعفر در این میان می خواست شجاعت بخرج دهد،
گفت جانشین امام هستم و دیگر الزامی در کار نیست
که مقدار چقدر است.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا فَهِيَ لِلْكَافِرِينَ أَهْلُهَا وَرُودًا .

﴿التَّارِقِ﴾ ١٥

دشمنان افسونگری پیشه می‌سازند ، چاره آنان به
شرط مهلت به دست قائم آل محمد (ع) است .

در این وقت صیقل خادم امام زمان (ع) آمد
 و گفت : ای اهالی قم :
 باشمانامه فلان شخص و فلان مقدار پول و فلان است
 بی درنگ اهالی قم پولها را بدست وی سپردند و رفتند .
 جعفر کذاب ناراحت و خشمگین شد ، به ناچار ،
 به نزد معتمد عباسی رفت و شکایت کرد .
 معتمد ، عده ای را فرستاد تا صیقل را آورده
 معتمد : ای صیقل طفل عسکری در نزد توست ،
 هرچه زودتر او را به ماتحویل ده و گرنه سرت را قطع
 می‌کنم ،
 صیقل گفت : ای معتمد من از امام حسن (ع) حلی دارم
 معتمد او را به ابن ابی‌الشوارب قاضی سامراء سپرد و
 گفت :

هر گاه بچه ای از وی پدیدار گشت او را گردن بزن
و طفل را نیز نابود ساز، زیرا باید از اهل بیت عصمت و
طهارت اثری نماند .

در همین اثنا خبر آوردند : ای خلیفه ، ناخداگاه
عبدالله بن یحیی ، مرد و صاحب الزنج در بصره خروج
کرد .

صیقل وقت را غنیمت شمرد و بی درنگ به خانه خود
برگشت ،

دستگاه حکومت دیگر به او اعتنائی نکردند .
جعفر از خود بیخود شده ،

آبرو ، و حیثیت اش در میان مردم رفته ،
همه کس او را شناخته اند ،

و دیگر جعفر ، امام نیست ، بلکه

مردم او را منسوب به جعفر کذاب می دادند ،
و نیز پاداش و سزای عملش دوزخ است .

وَمَنْ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ وَبَعَثَ حَدُودَهُ يَدْخُلُهُ

لنارا خالدًا فيها ولله عذابٌ عظيمٌ

﴿النِّبَاءُ ۱۴﴾

هرکس از فرمان خدا و پیامبرش سرپیچی کند ، و از مرز
و حدودش خارج شود ، جایگاهش آتش ابد است
و برای اوست عذابی عظیم و جان گداز .

اسم محمدی (۴)

مهدی در برابر افق‌های دنیا، تنها است
که دارای محتویات اسم و بیشترین آن است
مهدی از فرزندان من است، اسم وی اسم من است
و کنیه او کنیه من است و از حیث صورت و اخلاق
شبهه‌ترین مردم به من است •

رسول اکرم (ص)

آیامی دانید نام پیامبر چه بوده!؟

محمد! محمد! محمد! رسول الله •

پس نام مهدی باید (م - ح - م - د) باشد •

آن خدائی که آسمانها و زمین در تحت اختیار اوست
آن خدائی که خورشید ، و ماه و ستارگان و کهکشانها
در دست اوست .

آن خدائی که کرات و اقمار و نجوم و کواکب و منظومه‌ها
در دست اوست

قدرت و نعمت خود را به وسیله منجی عالم ،
مهدی (ع) می فرستد ،

رحمت و رأفت و لطف خود را بوسیله
مهدی (ع) میگستراند ،

روزی ، و ارزاق را بر عالمیان به وسیله
مهدی فراخ و آسان می سازد ، و سپس بلاها را از آنان
دفع می کند پس مهدی ید الباطنه است .

* * *

آری، پس از مهدی، همبری، همسری
پیدانخواهد شد، مرهم درد است
و دوائی هر مریضی است باید
با چنین اوصاف پس از خود شبیهی نداشته
باشد،

لذا پس از او باید قیامتی شود، رستاخیری به پا
گردد، او ست مهدی و جز او نیست •
و به خداوند سوگند دیگر خداوند، شبیهی برای
او قرار و خلق و بوجود نخواهد آورد •
وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ شَبِيهَا •

(مناقب قدیمه)

و برای او شبیه و هم نوعی قرار نخواهد داد •

.....

بدانید : ای مردم : دنیا دانه خشخاش است
 یعنی : دنیا در مقابل مخلوقات خداوند بی ارزش است
 دنیا ، مکان ظلمانی است ، باید رخت بربست
 دنیا ، دار فانی است ، باید به دارالابد رفت
 آری ، باید چه کسی ما را از این دنیا ،
 با اعمالی خوب ، به سوی دنیای ، خوشبختی سوق دهد
 مهدی است ، مهدی است
 به درگاه او بیفتید تا بباید زیرا او مضطر است
 به خدا سوگند ، او در اضطراب و ناراحتی قرار دارد .
 (حضرت صادق ع)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْفِي السُّوءَ وَيَجْمَلُ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ

﴿ التَّمِيلُ ﴾ ٤٦ ﴿﴾

مهدی مخزن علم الهی است
 مهدی مخزن علوم اولین و آخرین است
 مهدی مخزن علوم پیامبر است
 مهدی مخزن علوم اهل بیت عصمت و طهارت است
 مهدی مخازن علوم را در بر دارد
 پس اگر او مهدی شما نباشد پس چه .
 کسی است که علوم را برایتان آورد

(امام علی بن موسی الرضا ع)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ

مَعِينٍ .

﴿الملك: ۳۰﴾

هرگاه علم شما به ته رسید و راه را گم کردید پس کیست
 که علمی و چراغی نمایان برایتان آورد .

مهدی و دنیا

دنیا، جیفه است و کارش سرگرمی است
دنیا، ظلمت است و مالش بدبختی است
دنیا، فانی است و امید به آن عقب افتادگی است
دنیا همه هیچ است، کارش همه هیچ است
مالش همه هیچ است، ای هیچ برای هیچ
پس زندگی در برابر هیچ ها ارزشی ندارد و
زندگی باید در برابر پرتوهای مکتب مهدی باشد
از قوانین مهدی و اصول و عقاید مهدی سرچشمه گیرد
زیرا تا چنین نباشد هرگز زندگی شیرین نخواهد بود
می بینیم : شراب میخوریم ، غرق در مستی می شویم ،
دروغ می گوئیم ، تهمت می زنیم ،
غیبت می کنیم و سایر معاصی انجام می دهیم
خیلی از گناه بی باک هستیم ،

اما قلب در طپش است ،

ثانیه به ثانیه ، طپش قلب زیاد و زیاد ترمی شود ،
چرا ، زیرا ، اعمال نامشروع انجام می دهیم ،
برجسم اثر ، بر قلب اثر ، بر معده اثر ، بر رود ها اثر
بر چشم اثر ، بر مغز اثر ، بر اعصاب اثر ، بر ریشه ها اثر
و بر تمام نقاط مهم بدن اثر گذاشته ،
اما در پرتو مکتب مهدی بودن چنین نیست
بلکه بعکس است

در همه وقت در همه جا ، برای همه چیز
خدا را پرستش می کنیم دست دعا و نیاز به جانب
او دراز می کنیم ، خداوند نیز به من لطف می کند و
میگوید ای بنده من تو ای که در مکتب مهدی
هستی و حال به درگاه من آمدی ، تو را از همه
چیز سیراب ساختم ، برو ، خوش باش و زندگی کن

وَلَيُّرِي الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ﴿٢٥﴾

به کسانی که (به مکتب مهدی) ایمان آورده‌اند و
عملی شایسته انجام دادند ، برای آنان است
بهشتی که در آن جویرهای جاری می باشد .

مهدی و جہاد

روزی جمعی از صحابہ پیامبر (ص) از جنگ برگشته بودند
به محضر شریف حضرت محمد (ص) آمدند تا پیامبر آنان
را موعظه و پند گوید .

حضرت فرمودند :

شما بی که به جنگ رفته‌اید و جنگ نمودہ‌اید، جہاد است
اما جہاد اصغر می باشد .

ہمہ بہ صدا در آمدند و گفتند یا رسول اللہ

ما بہ جنگ رفته ایم، عہدہ ای کشتہ شدند،

عہدہ ای زخمی شدند و عہدہ ای نیز با حالت کوفتگی

و خستگی کامل بہ نزد شما آمدیم،

حال می فرمایید، جہاد اصغر کردہ اید، پس

اگر جہاد اصغر چنین است، جہاد اکبر کدام است ؟

حضرت فرمود :

جہاد اکبر، جہاد بانفس امارہ است

تسلط بر نفس فریب دهنده است
تسلط بر نفس گریزاز مرکز قرآن و اسلام است
نفس اماره، نابودکننده تمام حسنات و خوبیهای
انسان است و نیز پیریشان ساختن ساختمان وجودی بشر
است ای بشر، بر نفس اماره غلبه کنید، تا از موهومات امروز
به دور شوید آه، مکتب های ساختگی و به فرم تشیع
همه را در تحت خطر انداخته ای بشر مکتب دروغین
و امید ساختگی عده ای مزخرف را قبول نکن
عده ای معدود، آبروی اسلام، آبروی تشیع را می برند،
ای زمین به تومی گویم، هرچه زودتر اینان را بگیر
و همگی را نابود کن، زیرا، اینان نابودکننده بشرند.
به مفاهیم اصلی اسلام پی ببرید، زیرا، مفاهیم و حقایقش
تا ابد زنده و باقی است،
همانطوری که خدایمی میرد، دین خدا و امت خدا نیز
نابود نمی شوند،

امت خدا، اهل بیت عصمت و طهارت است

امت خدا مردان پاک سرشت و حقیقی است

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَنَافِعُونَ •

﴿الْحَجُّرُ ٩﴾

همانا ما فرستاده قرآن هستیم، و همانا ما

نگهدارنده آنیم •

اسلام فرسوده و پیر نمی شود،
اما فرد مسلمان نابود شدنی است
لذا اسلامی که علاوه بر باقی بودنش ،
بالا نیز می رود، پس چرا ، باید دنبال رو این و
آن شویم ،

الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يَعْلى عَلَيْهِ

اسلام بر تر و بر ترمی شود اما ، هیچ چیز
بالاتر از او نخواهد شد .
این حقیقت اسلام و معنی واقعی آن .
جهاد در راه مکتب مهدی است
نه جهاد در راه رسیدن به خرافات زمانه ،
جهاد بر تسلط نفس اماره حقیقت است ،
نه جهاد در راه فاسد کردن اجتماع و جامعه
جامعه خواب آلود و غوطه ور در خواب درست نیست

باید جنبش و تحرکش داشته باشد.

اما آن جنبش و تحرکی باید بر اصول درستی مبتنی گردد تا مبادا، روزی آن جنبش به تزلزل تبدیل شود.

جامعه جهانی، احتیاجی به اصلاح کننده ای دارد تا بتواند جامعه انسانی را تربیت کند اصلاح کننده باید چه کسی باشد.

باید کسی باشد که قدرت خداوند و مظهر

حقایق ربانی و ملکوتی باشد تا

بتواند این جامعه را به دوره های مافوق

قدرت بشر برساند، و فلاکت را از دوش

آن برهاند و در برابرش شجاعت و حق پرستی

را بشاند.

وَأَفْذَارِ سَلْنَا مُوسَىٰ أَيُّ بَيْنِنَا أَنْ أَخْرَجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكَرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ •

﴿الزُّمَرُ ٥٥﴾

پیامبر خود (موسیٰ ع) را با آیات و علائمی روشن
فرستادیم تا امت خود را از تاریکی و کفر به روشنائی و
دین رهنمون کند. به آنان نوید و وعده های خداوند را
(روز قیام مهدی ع) متذکر شود، بدستیکه ایسین
آیات برای هر صبرکننده شکرگذار می باشد .

لذا در اسلام علتی نیست،

زیرا اسلام همانطوری که ذکر شده

يك عامل تحرك آمیز و رشد آور جامعه است.

اختلاف و انحرافات همگی در نهضت های

غیر تشیع و اسلامی است،

پس عیبی در کار نیست و اگر هم باشد

از خودمان است.

اسلام بذات خود ندارد عیبی

هر عیبی که هست از مسلمانی ما.

(سعدی)

آخرین سخن

این بود، بخشی از تولد امام زمان (ع)

برای نوجوانان عزیز و امید است که

بخشهای دیگر این موضوع در جلد های

دیگر نوشته شود و بزودی در دسترس

شما قرار گیرد .

بخش دوم این موضوع ((امام شناسی)) است

که آن نیز با همین کتاب به چاپ می رسند

تهران: عبدالامیرفولا دزاده

ق ۱۳۹۶ / ۲۵۳۵ / ش



امام شافعی

شناخت امام

خیمه های امید، به سراسر گیتی زده شد،
پاسداران روزنه، از خواب بیدار شدند،
سپیده های افق نمایان شد،
رنگهای الوان خورشید پدیدار گشت
رحمت و برکات خداوند نازل گردید .
تاریخ ، شهادت تولد و امید راداد،
جنگجویان ، به رقص و چه چه خود ادامه دادند،
دنیا ، ندای ، اصلاح و تصفیه شدن راداد،
امانتها چیزی که مانده است،
فقط، و فقط، و فقط
امام شناسی و ولایت است
خرجین ها از توشه شناخت امام و
ولایت خالی است لیکن محبت و دوستی
دیر اندرون قلب و دل وجود دارد، زیرا شعله های

آرامش قلوب دوستداران و پاسداران به مکتب
ولایت هر لحظه از گوشه و کناری نمایان می شود،
هرچند که چراغ مشرکان خاموش نمی شود،
ولی باز هم خداوند یار و یاور شیعیان با اخلاص
به درگاه اهل بیت و طهارت می باشد .
بزرگترین مایه زندگی بشر در دست است
مهمترین شاخه های ایمان در پناه قرآن است
پر ارزش تر علوم اولین و آخرین در اندرون است
اما ، کوشش و هدفی لازم است که :
آنان را به بیرون کشاند و به کار بیندازد،
نگاه کنید، شتران هر کدام از فرسخها راه
به دین جا آمده اند، خسته و کوفته ،
هنوز خاک راه بر بدنشان نمایان است
صاحبان شترها، هر کدام بر کناری رفته
و خستگی چند ماه خود را هم اکنون
می گذرند، اما تمام زحمات را به گرده

کشیده و خوشحالند که توشه ای آورده اند
پرسید : برای چه کسی ، و چطور !؟
گفت : به نامزدهای کانون آرامش و رفاه
این هدیه گرانمایه را آورده ام ،
اشخاص باایمان به درگاه خداوند
تضرع و زاری می کنند :

ای خدا، ما را نیز جزو نامزدهای کانون خود
قرار ده ، زیرا ما هم امید به امید آخرین داریم
خداوند نیز میفرماید :

ای حبیب من ، به امت خود محبت ولایت ، عنایت کن
پس بر تمام ، میوه را رساند

اما فقط و فقط اندکی زیر بار هدف و امید رفتند
باشد ، چنین نمی ماند ، زیرا روزی ،

در کار است ، که هرکس باید به فکر خود باشد ،
اگر این میوه را از درخت ولایت نچیند

فردای روز رستاخیز او را قبول نمی کند

می گوید : ای کافر تو از امت محمد نیستی

برو ، پی کار خود و به فکر آتش دوزخ باش

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ

مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ . (رسول اکرم (ص))

هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد ،

مانند مردم زمان جاهلیت مرده است !

اهمیت شناخت امام، بر هر فرد

واجب است

امری است فرض و حتم،

ولایت شناسی بدون امام غیر ممکن میباشد

زیرا کاروان بدون نگهبانان، بی ارزش

است، تا او نباشد، کار به سرانجام نمی رسد

لذا، اهمیت وجود و شناخت امام، در هر عصر

و زمانی واجب محض است.

درک آن مشکل، اما حل آن آسان

تاعمل در کار نباشد، کاری نیست

کار بدون نیرو، به مانند صفر مطلق است

پس، هرکس در این راه قدم پایدار نهد

در روز رستاخیز و در جهان کنونی

شاد و خرم است.

در دنیا لغزش و هیجان وی در صفر است

در رستاخیز همنشین و هم‌رتبه اولیاء است

((فَهُو مَعِيَ وَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ))

علی (ع) پیشوای مسلمین.

هرکس در دنیا ثابت قدم باشد در روز قیام

و رستاخیز خدای همسر و هم‌بر من است.

استدلال بر وجود امام

در هر زمان و وقت، مردم به امام
و پیشوایی مکتفی بوده اند و در نتیجه مایحتاج
زندگی روز مره را به وسیله دستورات و قوانین
آنان تنظیم نموده و در مرحله عمل می گذاشتند
و تاکنون هیچ وقت نشده که مردم از
داشتن پیشوا و امام زندگی را به سر منزل
مقصود اتمام کنند،

لذا، پیشوا و امامی نیز ما باید داشته باشیم
تا ما بتوانیم به مانند دیگران امیدهای اولین
و آخرین جهانی و آخرتی را دریابیم،
و نیز، انسان لازم به فردی است
که وی را از همه جهات تأدیب نماید
تا مبادا روزگاری مرتکب جنایات بزرگی

شود و جهان ، بدین وسیله تیره و تاریک گردد
از طرف دیگر ، جنایتکاران و عاصیان را از خشم
دیو مسلک خود به زمین نشانند ، دماغ فیلی
و خوکی آنان را به دماغ تفکر آمیز در موارد
مختلف و مسائل متنوع جهان انسانیت مبدل سازد
اموال ، نوامیس و آبروی مردم را از دزدی
و چپاول و حقه و دروغ بیگانگان و مستملکان
زورگو و بت پرست نگهداری کند ،
و در پی اصول و عقاید و آداب حمایت
از قانون خانواده ، همسایه و حقوق
تمام افراد موحد و اتحاد گرجهان شود
تا آنان را به سوی روزنه های امید
و چراغهای هدایت بشر رهسپار کند
به مانند :

اقامه نماز جماعت در اعیاد (مانند عید فطر)
و جمعه ها ، تعلیم اصول و قواعد اسلامی ،

موعظه و ارشاد مردم عامی و دانا ،
و تمام برنامه های مسلسل اسلامی یکی پس
از دیگری

عقیده پرفسور هانری

یکی از دانشمندان دنیا به نام

پرفسور هانری کرین در مقوله

خود به موضوع وجود امام غائب

چنین مبین و استدلال نموده که :

به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است

که رابطه هدایت الهیه را میان خداوند و

خلق برای همیشه نگهداشته و بطور استمرار

و پیوستگی و لایت رازنده و پابرجا میدارد .

مذهب یهود نبوت را که رابطه ای است میان

خداوند و خلق در حضرت کلیم ختم کرد و پس از وی به نبوت

حضرت میسح و حضرت محمد (ص) از غان نسموده ،

و رابطه مزبور را قطع میکنند .

همچنین نصاری در حضرت مسیح واقف شده

و اهل سنت از مسلمین نیز در حضرت محمد (ص)
وقوف کرده و باختتم نبوت در ایشان دیگر
رابطه ای میان خالق و خلق موجود نمیدانند
و تنها مذهب شیعه است که نبوت را به حضرت
محمد (ص) ختم شده میدانند ولی ولایت
را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد
بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می داند
رابطه ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی
کشف نماید بواسطه دعوت‌های دینی قبل از موسی
و دعوت دینی موسی و عیسی و محمد (ص)
بواسطه ولایت جانشینان وی
زنده بوده و هست و خواهد بود .
او حقیقتی است زنده که هرگز
نظر علمی نمی تواند او را از خرافات شمرده
و از لیست حقایق حذف نماید .
آری تنها مذهب تشیع است که به زندگی

این حقیقت لباس دوام و استمرار پوشانده
و معتقد است که این حقیقت میان
عالم انسانی و الوهی همیشه باقی و پابرجاست (۱)
بارالها از تو تمنا دارم هرچه زودتر
این خورشید تابنده را از پس ابر متراکم
غیبت و پرده متواتر عزلت در عالم
پدیدار و ندای آسمانیش را از کنار خانه
مقدسست بگوش جهانیان برسان .
آمین ، یارب العالمین ،

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .



خداوند او را (امام غائب (ع) بر تمام ادیان
غالب می گرداند هر چند مشرکان و ناپسندان
خواستار نباشند .

(۱) منتظر جهان ص ۸۵ - ۸۶

استدلال نقلی

در آخر الزمان است که سه نفر می آیند

اما هیچکدام رهبر و امام نیستند

مگر مهدی موعود است که مهدویت

و امامت از آن اوست

دومین نفر عیسی روح الله است که

وی در گذشته دستورات پیامبری

و رسالت خدایی خود را انجام داده

و هم اکنون به کمک و یاری مهدی نزول

کرده است پس نمی تواند مهدی باشد

بلکه باید پشت سر مهدی نماز جماعت

را اقتدا کند .

سومین نفر دجال است که آمدنش

و بودنش حتمی و حکمی است زیرا

از نظر اهل حدیث مسلم است
اوست که نابود کننده حقایق ظهور
و مهدویت ،

عده ای بیشمار به وی می گروند و به یاری
و پشتیبانی او بر می خیزند اما
سرانجام کار همگی در دوزخ ابدی هستند
آری دجال بدست عیسی (ع) کشته می شود
و به دریای مرگ و بدبختی غوطه ور می شود
آنگاه می گوید ای وای من چه کردم
چرا باید چنین کنم ، که آخرت و عاقبت
کار بدین جارسد

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ
حَتَّى جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ حَافِيًا ۝

﴿الأنبياء ۱۵﴾

آری . مگر رأی گویند : ای وای بر ما که قوم
ستمکار بودیم (این سخن همچنان بر سر زبان نشان

باقی می ماند) تا اینکه به وسیلهٔ قائم و سپاه عظیم
او ما آنها را در و و نابود می سازیم و از دم شمشیر
(مهدی (ع) می گذرانیم .

استدلال عقلی

وجود امام در طول تاریخ و این

مدت از دو حال خارج نیست

۱- یا بودن آنان مقدور خداوند است

۲- یا بودن آنان محال می باشد

الف) اگر بودن امام مقدور خداوند باشد

پس آنان را در طول این مدت زنده نگه

داشته و نگذاشته کسی از مردم به ایشان

دسترسی داشته باشد .

ب) اما اگر مقدور خداوند نباشد لذا

چنین امری باطل و دروغ است

زیرا خداوندی که مخلوقات را از

نیستی به هستی آورده است و سپس آنان

رافانی و نابود می گردانند و دوباره

به صورت نخست بر میگردداند ،
پس مسلماً مقدور خداوند است .

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ الْآوَّلِينَ .

﴿التَّائِبِينَ﴾

خدایی جز او نیست، اوست که زنده می کند و
میمیراند، بد رستیکه خداوند شما و پدران پیشین
خواهد بود .

پس وقتی که می گوئیم خداوند

نگاه دارا ائمه اطهار (ع)

است، مقدور خداوند است

از دو حال خارج نیست

۱- یا بودن آنان به اختیار و میل خداوند است

و خداوند صلاح نگهداری آنان را می داند

۲- یا به میل و رغبت مردم می باشد که مثلاً:

(میل ندارند که مهدی (ع) امروزه ظهور کند

بلکه دلشان می خواهد که صد سال یا کمتر و یا

زیادتر ظهور نماید)

اما پس از بررسیهای علمی، فکری، دینی

و... متوجه می شویم که ظهور مهدی

بستگی به میل و رغبت مردم نخواهد داشت

زیرا اگر چنین قدرتی در دسترس شخص قرار
داشت، دیگر خود و فرزندان خود را زنده
نگه می داشتند

بنابراین، چنین امری متکی به عظمت و قدرت
لا یزال خداوند تبارک و تعالی می باشد زیرا
قدرت و بزرگی اوست که تمام دنیا را در تحت
نظرش قرار داده و نگذاشته اختلافی در
مخلوقاتش رخ دهد و همواره اوست از همه
قدرتمند تر و عظیم تر و والاتر

بنابراین زنده ماندن وجود
بشر و امامان معصوم به اختیار

ذات مقدس و انور و منزه خداوند است

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ •

﴿التَّحْسِينُ ٢٢﴾

اوست خدای یکتایی که جز او خدایی نیست دانسای

نهان و آشکار اوست بخشایشگر بخشنده •
آفرینش همه تنبیه خداوند دلست
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
اینهمه نقش عجب برد روی دیوار وجود
هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار

استدلال وجودی

از زمان حضرت امام حسن عسکری (ع)

تا کنون که بیش از هزار سال می گذرد

دنیا به پاکی روی نیاورده و همیشه

در منجلا بیهای زشتی و بد بختی فرو رفته

بوده است

لذا باید استوار کننده عدالت و حقیقت

در آید و زمین را از جور نابسامانی و

زشتی رها سازد و در دامن حقایق

اسلامی و دینی بیفکند ،

لذا ، باید چنین شخصی وجود داشته

باشد تا چنین امری اتفاق بیفتد

اما بودنش حتم و فرض است

زیرا همانطوری که عیسی روح الله

و دجال لعنة الله عليه زنده و
 پا برجا هستند، همانگونه نیز
 باید نمایند رسول خدا پایدار
 و استوار در پس پرده غیبت
 باشد تا آن وقتی که دستور
 باز تعالی فرود آید و وی
 اجابت حق نماید و بدین
 امر لبیک گوید .

بنا بر این باید بشر به فکر افتد، عقل و اندیشه
 را به کار اندازد و خود را در مسیر پر تو قرآن
 و شرافت قرار دهد تا اینکه خداوند او را هر چه
 زودتر برساند ، و بوسیله ما و شما ، وی
 را بر تمام غالب نماید .

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ .

﴿المؤمنين ١٤﴾

بنابر این تنسها خدا را بخوانید و دین را به او
اختصاص دهید هر چند کافران خوششان
نیاید .

عقیده

محمد بن یوسف گنجی

یکی از دانشمندان بزرگ اهل دیر زیستن
به نام محمد بن یوسف گنجی در باره استدلال
وجودی و حضور مهدی (ع) چنین می گوید :
مهدی موعود اسلام پسر امام حسن عسکری
(ع) است پس او موجود و باقی است در جهان
از ابتدای عیبتش و از نظر قوانین طبیعت هیچ
گونه امتناعی در بقاء وی نیست .

بدلیل پایدار بودن عیسی روح الله و خضرو
الیاس پیغمبر ،
اوست پایدار و محکم و استوار ،
و اوست زنده ، و پابرجا

ان المهدی ولد الحسن العسکری فهو حی
موجود باق منذ غیبه الی الآن و لا امتناع فی

بقائه بدليل بقاء عيسى والخضر والياس (ع)

(منتظر جهان ص ۷۳)

استدلال پزشکی

مرگ در اسکلت درونی هر انسانی

نهفته است، اما هر بشری که

رخت از دنیا می بندد به علتی و به نوعی

بیماری مبتلا بوده است.

بنیاد علم پزشکی بر این است که

انسانها در صورتی که مراعات نکات

بهداشتی، تند رستی و سلامتی همیشگی را

برخوردار باشند، همیشه دارای

جسمی با نشاط، و شاداب بوده

و سالیان دراز بسر خواهند برد

ولی سرانجام پس از طی این مرحله

دنیا ی فانی را وداع می نماید،

این حقیقت در مورد عموم سلولهای زنده

بدن ، مصداق دارد ، زیرا ، هر گاه
گروهی از بافته های زنده و سلولهای
پایدار بر اثر گزند و جاذبه ای ناگوار
از هم پاشیده ، از سلسله به هم پیوسته
خود گسیخته می شوند ، زندگی در خطر
و در پر تو مرگ قرار میگیرد و بشر را
هر چه زود تر به کام مرگ نزدیکتر
می کند ،

دکتر

دکتر (A. C. C. A.) (۱) زیست شناس

و جراح و فیولوژیست شهیر قرن مینویسد
اگر ترکیبات محیط غذایی را ثابت نگه دارند
اجتماعات سلولی برای همیشه به فعالیت خود
ادامه میدهند و اگر از افزایش حجم آنها
جلوگیری به عمل آید، هیچگاه پیر و فرسوده
نخواهد شد. (۲)

وی در موسسه علمی خود دارالفکر امریکا
به تحقیقات علمی خود ادامه داد تا اینکه
موفق گردید که: جزء مقطوع از حیوانی
بیش از حیات معمولی حیوان

(۱) الکسیس کارل

(۲) انسان موجود ناشناخته فصل ۵

نگهداری کند،

مثال : جزء مقطوع از بدن جوجه ای
را مدت هشت سال زنده نگه داشت .

نیز میگوید :

علاوه بر اینکه سلول های زنده در صورتی که
کمبود غذایی نداشته باشند و میکرو بهای به آن نفوذ
نکنند همواره زنده خواهند ماند،
نتیجه ای که می توان از تحقیقات این دانشمند
گرفت این است که : مرور زمان تأثیری در سلول
های بدن انسان ندارد . پیری و ضعف ایجاد
نمی کند ،

بنابراین پیری علت نیست بلکه معلوم است
چرا انسان میمیرد و چرا مدت زندگی
او محدود است . به حدی که از صد سال
تجاوز نمی کند ،

زیرا اعضاء جسم انسان و حیوانات ، زیاد
مختلفند، و نیز در بین آنان ارتباط و کمالی

است و حیات بعضی از آنان بر بعضی دیگر
است، حال اگر یکی از اعضای بدن به علتی
ناتوان و ضعیف شد و پس مرور زمان
مرگش فرارسید، پس مرگ بقیه اعضا و باقیمانده
به همین منوال فراموشی رسد
پس هنگامیکه نیروی دانش
توانست جلو عوارض و امراض
را بگیرد، باید از تأثیر آنها مانع گردد
دیگر برای حیات چند صد ساله و یا
چند هزار ساله مانعی نخواهد ماند
در نتیجه طول عمر امام زمان مخالف علم
و عقل بشر نیست بلکه موافق و معادل است
چون خود بشر نیز می تواند عمر طولانی
بدست آورده و اکتساب کند .

قدرت خدا

عزیز پیامبر کسی بود که خداوند پس

از صد سال، دوباره او را زنده

گردانید، و به وی نکته ای قابل

توجه نشان داد که :

فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَسْنَهُ...

﴿التقوى﴾ ۲۵۹ ﴿﴾

به خوراک و نوشابه ات نظر کن، آن هنوز فاسد

و خراب نشده است.

بنا بر روایات خوراک عزیز

انجیر یا انگور و نوشیدنی وی

شیر بوده است،

آیا خداوندی که این مواد سریع

الفساد را که در صد سال یکنواخت و سالم

نگه می دارد، نمی تواند، خلیفه

و نماینده رسول خود را چندین

هزار سال باقی نگه دارد،

و عمرش را از عمر معمولی بیشتر

و بیشتر کند .

مهدی علم‌هدایت

امام و پیشوا برای هر ملت و قومی به منزله علم و هدایت بشر است، زیرا اوست که نشان دهنده راه روشن و چراغ هدایت، و پرچم فضیلت است هنگامیکه امام و پیشوای از میان قومی می‌رود، پایه‌های علم و هدایت بشریت به تزلزل درمی‌آید و چنان می‌شود که ممکن است در بعضی مواقع به نزول ابدی و صفر مطلق بدبختی فرو روند و آن ملت از میان بروند، بنابراین امروز، چراغ هدایت و روشنی بخش زندگی بشر مهدی (ع) است که در زیر پرده غیبت هزار و اندی

فرو رفته است و تاکنون نورش
و چراغش نمایان نگردیده است
در دعای ندبه میخوانیم :

این اعلام الدین و قواعد العلم

(حضرت رضا (ع))

پرچمهای دیانت و استوانه های دانش کجا

هستند ؟

بارالها، در پایان سخن از تو خواهانیم
ما را از سه آفت آخرالزمان نگاه دار
وساوس شیطانی، هواجس نفسانی و غرور
نادانی .

بارالها، توفیقی ده تا در دین استوار شویم
و به راه راست ما را ببر تا سرگردان نشویم
بارالها به ما سرّ دین را بیاموز، تا ز تاریکی
بر فروز امید در آئیم .

بارالها، ما را از شر شیطان و خود پرستی
برهان، و در اعلاء درجه تقوی ببر
گراز پی شهوت و هواخواهی شد

از من خبیرت که بینوا خواهی شد

بنگر که کیستی و از کجا آمده ای

می دان که چه می کنی کجا خواهی شد

(خواجه عبدالله انصاری)

در پایان تضرع و زاری می گوئیم :

بارالها، ما را از یاران و اصحاب مهدی (ع)

قرارد،

بارالها، به ما توفیق جهاد در لشکر

مهدی (ع) بده .

بارالها، ما را بادیانت و دوستی اهل بیت (ع)

بمیران .

اللهم اجعلنا من انصاره و اعوانه و اتباعه و

شیعته آمین یا ذا الجلال و الاکرام، یا ارحم الراحمین

آخرین سخن

امید است مورد توجه و عنایت حجة بن الحسن
العسکری (ع) این کتاب ناقابل قرار گرفته باشد و
نوجوانان عزیز فیض برده باشند .
بخشهای دیگر این کتاب در جلدهای دیگر به
چاپ خواهد رسید و در دسترس همگان قرار خواهد
گرفت .

تهران: عبدالامیر فولادزاده

مهرماه: ق ۱۳۹۶ / ۲۵۳۵ / ف